

❖ قول چهارم:

وجوب عبارت است از «طلب مسبوق به اراده شدیده»

مرحوم بروجردی اشکال فرموده بودند:

«و فيه: أن الوجوب بعد تحصله و صيرورته و جوباً يصير موجبا لاستحقاق العقوبة، فإيجاب الاستحقاق من لوازمه

و آثاره لا من مقوماته.»^۱

ما می گوئیم:

۱. إن قلت: با توجه به آنچه در ذیل قول سوم آوردیم لفظ «وجوب» برای مفهومی وضع شده است و ما در صد شناسایی آن مفهوم هستیم. حال آنچه از طلب متقدم است نفس اراده شدیده است ولی صفت «مسبوقیت» در رتبه متقدم نیست. و سابقاً به طور مکرر آوردیم که می توان از یک شیء در حالیکه با صفت سابقیت و یا مسبوقیت برای اشیاء دیگر، لحاظ شده است، مفهوم گیری نمود. پس اینکه اراده متقدم است باعث نمی شود مسبوقیت آن هم متقدم باشد.

قلت: (در دفاع از مرحوم بروجردی) «طلب مسبوق به اراده شدیده» چون معلول اراده شدیده است، با «طلب مسبوق به اراده ضعیفه» که معلول اراده ضعیفه است، فرق دارند چراکه دو علت مختلف (اراده شدیده و اراده ضعیفه) نمی توانند معلول واحد (طلب) داشته باشند.

پس اگرچه «طلب مسبوق به اراده شدیده» مفهوم کاملی است و تقدم وجود خارجی علت ضرری به «لحاظ ذهنی مسبوقیت معلول» نمی زند، اما «طلب مسبوق به اراده شدیده» حتماً دارای قیدی حقیقی است که آن را از طلب مسبوق به اراده ضعیفه ممتاز می کند. آن قید مسبوقیت اراده نیست چراکه «مسبوقیت اراده» قیدی است که ذهن آن را از قیاس علت و معلول اخذ می کند و نه آنکه قیدی خارجی باشد. به عبارت دیگر مسبوقیت امری تحلیلی است و ما در مقام بازشناسی قید و فصل حقیقی هستیم.

این ان قلت و قلت، به نوعی دیگر در کلام مرحوم بروجردی آمده است:

«فإن قلت: الظاهر أن الطلب الإيجابي و التدبّي لا فارق بينهما بالنظر إلى ذاتيهما بل الفرق بينهما بجهة علتيهما، أعني الإرادة، فالطلب الإنشائيّ المسبب من الإرادة الشديدة ينتزع عنه الوجوب، و الطلب الإنشائيّ المسبب من الإرادة الضعيفة ينتزع عنه التدب.»

۱. نهاية الأصول، ص ۱۰۰



قلت: العلتان المختلفتان لا يعقل أن يكون ما صدر عنهما متماثلين من جميع الجهات، و يكون المائز بين المعلولين منحصرًا في كون أحدهما منتسبا إلى العلة الكذائية، و الآخر منتسبا إلى العلة الكذائية الأخرى. ف فيما نحن فيه ليس لأحد أن يقول: إن الطلب الوجوبى و الندبى متماثلان من جميع الجهات، و إنما يتصف الطلب الوجوبى بهذه الصفة، أعنى صفة الوجوب بصرف انتسابه إلى الإرادة الشديدة، و الطلب الندبى يتصف بهذه الصفة بصرف انتسابه إلى الإرادة الضعيفة، من دون أن يكون بينهما اختلاف من غير جهة الانتساب.»^١

❖ قول پنجم:

وجوب عبارت است از «طلب مسبوق به مصلحت حتمیه»
 مرحوم بروجردى اشكال کرده است:
 «و وجه الضعف أن المصالح و المفساد متقدمة رتبة على الإرادة لكونها من عللها، فيكون الطلب متأخرا عن المصالح و المفساد بمرتبتين، فلا يصح عدّها من مقومات الوجوب و الاستحباب، اللذين هما قسمان من الطلب.»^٢
 ما می گوئیم :

آنچه به عنوان نقد قول قبل مطرح شد، در این جا هم قابل ارائه است.

❖ قول ششم:

وجوب عبارت است از طلب شديد و تمايز آن با استحباب به شدت و ضعف در حقيقت واحده است.
 مرحوم بروجردى اين قول را چنین تقرير کرده است:
 «بل الحق المؤيد بالوجدان و البرهان هو أن تكون الارادة متفاوتة بالشدة و الضعف لصحة اتصاف الارادة بالشدة تارة و بالضعف تارة أخرى و عدم كون الارادة الوجوبية مع الارادة الندبية فى عرض واحد، فإذا كان مبدء الطلب كذلك فنفس الطلب يكون كذلك بالتبع، أى يكون التفاوت بين الطلب الايجابى و الطلب الندبى بالشدة و الضعف. على أن الطلب الإنشائى ليس الا مثل البعث الخارجى المباشرى فكما أن الطالب فى طلبه الخارجى قد يكون شديد البعث بحيث لا يكاد يحول بينه وبين ما رامه شىء و يجر المبعوث بأى نحو كان نحو المطلوب و قد يكون لا بهذا الحد، فكذلك الحال فى الطلب الانشائى فيكون الامتياز بالاشدية و الاضعفية.»^٣

١. نهاية الأصول، صفحہ ١٠٣

٢. نهاية الأصول، ص ١٠٠

٣. الحجة فى الفقه، ص ١١٠



ایشان هم چنین می نویسد:

«و قد يتوهم كون امتياز الوجوب و الندب بالشدة و الضعف كالخط الطويل و القصير مثلا.»^۱

ما می گوئیم :

(۱) با توجه به آنچه مرحوم بروجردی در صدر عبارت دارند، تمایز وجوب و استحباب به شدت و ضعف در ماهیت تصویر شده است. یعنی ماهیت واحدی که شدید یا ضعیف است.

(۲) این قول را مرحوم فاضل به مرحوم آخوند نسبت داده است.^۲

(۳) در این باره باید توجه داشت که مرحوم آخوند - چنانکه خواهیم دید - واقعیت استحباب و وجوب را به شدت و ضعف می داند یعنی می فرماید در عالم واقع و در نظر عقل، این دو یک ماهیت هستند که شدت و ضعف یافته است ولی در نظر عرف با یکدیگر بالذات تباین دارند.



۱. نهاية الأصول ؛ ص ۱۰۰

۲. اصول فقه شیعه، ج ۳ ص ۸۰